

را بعه بلخی



اولین شاهزاده زبان فارسی که در تذکره‌ها از آن نام برده شده است، رابعه بنت کعب قزداری بلخی می‌باشد که هم عصر شاعر و استاد شهیر زبان پارسی دری «رودکی» و سامانیان است. پدرش کعب در حدود بلخ امارت و مکانتی داشت. پسر کعب بنام حارث جانشین او شد. رابعه عاشق بکتاش غلام برادر خود گردید و حارث بیدگمانی «رابعه» را بگشت. وی در شعر پارسی و تازی هردو ماهر بود. سخن او بلطافت و اشتمال بر معانی دل‌انگیز متصف بود است. (1)

« غزل رابعه بلخی »

الا ای باد شبگیری پیام من به دلبر بر
بگو آن ماه خوبان را که جان با دل برابر بر
بقهر از من فگندی دل بیک دیدار مهرویا
چنان چون حیدر کرار دران حصن خیبر بر
تو چون ماهی و من ماهی همی سوزم بتابد بر
غم عشقت نه بس باشد جفا بنها دی از بربر
تنم چون چنبری گشته بدان امید تا روزی
ز زلفت بر رفتند ناگه یکی حلقه به چنبر بر

ستمگر گشته معشوقم همه غم زین قبول دارم
که هرگز سود نکند کس بمعشوق ستمگر بر
اگر خواهی که خوبانرا بروی خود به عجز آری
یکی رخسار خوبیت را بدان خوبان برابر بر
ایا مودن بکار و حال عاشق گر خبر داری
سحرگاهان نگاه کن تو بدان الله اکبر بر
مدارای (بنت کعب) اندوه که یار از تو جدا ماند
رسن گرچه دراز آید گذردارد به چنبر بر

چند بیت دیگر از اشعار او را در این جا نقل می‌کنیم :

فشاند از سوسن و گل سیم وزر باد
زهی بادی که رحمت باد بر باد
بداد از نقش آزر صد نشان آب
نمود از سحر مانی صد اثر باد
مثال چشم آدم شد مگر ابر
دلایل لطف عیسی شد مگر باد

که دُر بارید هر دم در چمن ابر
که جان افزود خوش خوش در شجر باد
اگر دیوانه ابر آمد چرا پس
کند عرضه صبوحی جام زریاد
گل خوشبوی ترسم آورد رنگ
از یمن غمّاز صبح پرده در باد

برای چشم هر نا اهل گویی
عروسی باغ را شد جلوه گر باد
عجب چون صبح خوشترمی بردخواب
چرا افگند گل را در سهر باد

دعوت من بر تو آن شد کایزدت عاشق کناد
بر یکی سنگین دلی نا مهربان چون خویشتن
تا بدانی درد عشق و داغ مهر و غم خوری
تا بهجر اندر بیچی و بدانی قدر من(2)

منابع و مأخذ

- 1- فرهنگ فارسی ، دکتر معین ، جلد 5 ، ص 567 .
- 2- AfghanWebPlanet Forums-viewtopic - afghanwebplanet.com/modules.php?name=Forums&file=viewtopic&t=1942 - 43k -
- مجمع الفصحا ، ج 1 ، ص 171 ، 222 .
- مجله شرق ، سال اول ، ص 182 .
- تاریخ ادبیات در ایران ، ذبیح الله صفا ، ص 450 و 451 .